

## نقش دولت‌ها در مواجهه با ویروس کووید ۱۹: همگرایی یا واگرایی

حمزه ولی‌زاده پرکوهی<sup>۱</sup>

### چکیده

شیوع کووید ۱۹ یک چالش بین‌المللی است که در طی قرون گذشته بی‌سابقه بوده است. این ویروس که در اواخر دسامبر ۲۰۱۹ در شهر ووهان چین منتشر شد، طی زمان کوتاهی سرتاسر جهان را در بر گرفت. سیاست و عملکرد کشورها در مواجهه با بحران کرونا، بخشی تحت تأثیر خط‌مشی جهانی و بخشی نیز حاصل عملکرد داخلی است. سوال اصلی مقاله حاضر این است که نقش دولت‌ها در کنترل و مدیریت شیوع پاندمی کرونا، ویروس نوین در جهان را چگونه می‌توان ارزیابی، استنتاج و تحلیل کرد؟ و آیا اقدامات اتخاذی توسط دولت‌ها به همکاری کشورها با یکدیگر منجر می‌شود یا بالعکس موجب نزاع و اختلاف کشورها می‌شود؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که در شرایط همه‌گیری بیماری کووید-۱۹ در جهان با توجه به رویکرد رئالیسم ساختاری در نظام بین‌الملل دولت‌ها همچنان بر مرزبندی‌های سیاسی و جغرافیایی خود تأکید کرده که این امر مانع مدیریت و جلوگیری از شیوع این بیماری در جهان می‌باشد. شیوع این بیماری بار دیگر نشان داد همانطور که نئورئالیست‌ها تأکید می‌کنند دولت‌ها همچنان مهم‌ترین بازیگران نظام بین‌الملل به شمار می‌آیند. همچنین پاندمی کرونا محل تلاقی اندیشه‌ها و نزاع‌گفتمانی در عرصه بین‌الملل است که زمینه رقابت‌های سیاسی، اقتصادی و ... را برای دولت‌ها فراهم می‌سازد. این فرضیه، خود را وفادار به خصلت فاقد اقتدار مرکزی در محیط بین‌الملل می‌داند که کشورها را به اصل خودیاری و بقا سوق می‌دهد. قابل ذکر است که مقاله حاضر از روش توصیفی - تحلیلی در روش جمع‌آوری داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای (اسنادی) بهره برده است.

واژگان کلیدی: دیپلماسی، رئالیسم ساختاری، کووید ۱۹، نظام بین‌الملل

<sup>۱</sup> کارشناسی علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، مرکز ساری Hamzeh.Valizadehparkohi@gmail.com

## مقدمه

در اواخر دسامبر ۲۰۱۹ جهان با یکی از بی‌سابقه‌ترین بیماری پاندمی در قرن حاضر مواجه شد و فراگیری آن به حدی گسترده بود که تصمیمات بازیگران عرصه بین‌المللی را چه در بعد داخلی و چه در بعد بین‌المللی تحت شعاع خود قرار داد و به یکی از دشوارترین آزمون‌های کشورهای در مدیریت و جلوگیری از شیوع این بیماری در جهان مدرن تبدیل شد. بیماری ناشناخته و جدیدی که کرونا ویروس نوین یا سندروم حاد تنفسی نامیده شده است که به اختصار به آن کووید-۱۹ می‌گویند. پرسش اساسی پژوهش حاضر نیز چنین مطرح می‌شود که نقش دولت‌ها را بعنوان بازیگران اصلی عرصه بین‌الملل در کنترل و مدیریت پاندمی کووید-۱۹ چگونه می‌توان تحلیل و ارزیابی کرد. در پاسخ به پرسش اصلی دو دیدگاه را می‌توان ذکر کرد. گروهی معتقدند این مدیریت در کنترل و جلوگیری از شیوع این بیماری به همکاری و همگرایی کشورها با یکدیگر منجر می‌شود و در نقطه مقابل عده‌ای هم بر این اعتقادند در این روند کشورها دچار تضاد منافع شده و هریک از واحدها به دنبال منافع خود رفته و منافع خود را بر منافع دیگر کشورها ترجیح می‌دهند و در نتیجه به عدم همکاری و واگرایی میان دولت‌ها منجر خواهد شد.

این نوشتار با رویکردی واقع‌گرایانه از نوع رئالیسم ساختاری در سیاست بین‌الملل در پی مطالعه و استنتاج نقش دولت‌ها بعنوان بازیگران اصلی نظام بین‌الملل در کنترل و مدیریت این بیماری می‌باشد. از نظر آن‌ها به دلیل تضاد منافع بین دولت‌ها، هریک از این دولت‌ها در پی کسب قدرت بیشتر بوده که افزایش قدرت یک واحد تهدیدی برای سایر واحدها محسوب می‌شود. در واقع کشورها در یک محیط آنارشیک (فاقد اقتدار مرکزی) با یکدیگر به سر می‌برند که اصل بقا و خودیاری و امنیت در آن از اهمیت فراوانی برخوردار است. باتوجه به مبانی نظری پژوهش حاضر و نگاه رئالیستی به محیط بین‌الملل نقش دولت‌ها همچنان بعنوان مهم‌ترین بازیگران نظام بین‌الملل فزاینده بوده و کشورها در رقابت با یکدیگر در محیط ناامن بین‌المللی در پی حفظ و بقا و کسب بیشترین منافع برای خود هستند. با مبنا قرار دادن نگاه رئالیستی به محیط بین‌الملل که فاقد اقتدار مرکزی است در شرایط بحران‌های جهانی مانند پاندمی کووید-۱۹، بین دولت‌ها همگرایی و اتفاق نظر وجود ندارند و برخلاف نظر کسانی معتقدند این مدیریت به همکاری و کمک کشورها به یکدیگر منجر می‌شود، به عدم همکاری و واگرایی بین کشورها در مدیریت این بیماری در جهان بدل شده است. بحران کرونا را می‌توان از جهات مختلفی مورد بررسی قرار داد. توجه به بعد پزشکی و بهداشتی کرونا در شرایط حاد این بیماری باعث می‌شود تا ابعاد دیگر قضیه مغفول بماند. این مقاله از این جهت حائز اهمیت است که تحلیل خود را بر بعد سیاسی پاندمی کرونا در نظام بین‌الملل متمرکز کرده است. مقاله حاضر از روش توصیفی - تحلیلی از طریق گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و اسنادی بهره برده است.

### ۱- پیشینه تحقیق

کرونا ویروس نوین از ابعاد مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. به دلیل نوظهور بودن آن و همچنین کشف زوایای پنهان این پاندمی، مورد توجه محققین و صاحب‌نظران در این حوزه قرار گرفته است که به چند مورد از آن اشاره می‌کنیم:

- مقاله «بررسی و شیوع بیماری کووید- ۱۹ در جهان با تأکید بر تئوری توطئه از منظر رویکرد واقع‌گرایی» توسط احمد جهانی‌نسب در نخستین همایش ملی کرونا در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ارائه گردید. آمده است که تئوری توطئه و ساختگی بودن ویروس مورد قبول نبوده و چیزی جز توهّم و توطئه نیست. نگارنده در این مقاله آمریکا و چین را بعنوان مطالعه موردی خود قرار داده است. در اثبات این مدعا با استفاده از نظریه واقع‌گرایی و خصلت آنارشیک نظام بین‌الملل دولت‌ها را بر آن داشته تا با مکانیزم‌هایی از جمله متهم ساختن یکدیگر به اهداف خود دست یابند.

- مقاله «کرونا ویروس و تحول در مفاهیم سیاسی» نوشته حسن شمسینی غیائوند به همت فصلنامه مطالعات سیاسی منتشر شده است آمده است که کرونا ویروس تأثیرات عمیقی در دگردیسی مفاهیم سیاسی از جمله دولت، شیوه زندگی، جهانی شدن و ناسیونالیسم داشته است. بطوریکه برخی از پایان جهانی شدن سخن گفته و جهان پساکرونا را با شیوه حکمرانی جدید، سبک زندگی نوین و لزوم بازتولید اقتدار دولت‌ها ترسیم کرده است.<sup>۴۹</sup>

- مقاله «کرونا به مثابه رخداد در روابط بین‌الملل: نقص در کارویژه دولت، ملت در مواجهه با رخدادهای نوظهور» نوشته موسوی شفاعی و گودرزی که در آن اشاره شده است باتوجه به مواجه شدن جوامع با ویروس کرونا ناکارآمدی‌ها و نارسایی‌های نهادهای حاکم بر جوامع انسانی بار دیگر مشخص شده است. نتایج به دست آمده نشانگر آن است که رخدادهای نوظهور نظیر کرونا، دولت - ملت‌ها را با نوعی واماندگی، درماندگی و عدم آگاهی مواجه کرده است. بطوریکه دولت‌ها و نظام بین‌الملل مبتنی بر آن در مقابله با این رخداد دچار نواقص بنیادین هستند.

- مقاله «سیاست و آموزه‌های سیاسی در دوره کرونا و پساکرونا» که توسط سیامک شهرکی در اولین کنفرانس حقوق، علوم سیاسی و علوم انسانی ارائه گردید. نویسنده در این مقاله متذکر می‌شود دولت‌ها پیش از شیوع پاندمی کرونا، سیاست و آموزه‌های سیاسی مناسبی برای مقابله با این پاندمی نداشتند. روند شیوع این بیماری به ما نشان می‌دهد دولت‌ها باید با اتخاذ سیاست‌های همکاری و آموزه‌های سیاسی مناسب در راستای مشورت و تصمیم‌گیری‌های مشترک به کنترل وضعیت فعلی کمک کنند. اما برخلاف دوران کرونا در دوران پساکرونا

شاهد انزوا دولت‌ها خواهیم بود و فرایندهای و آموزه‌های سیاسی در آینده به سوی خودمختاری دولت‌ها پیش خواهند رفت و شاهد تعاملات کمتری میان دولت‌ها خواهیم بود.

- مقاله «بیماری همه‌گیری کرونا و صلح و امنیت بین‌المللی» که بوسیله محمدحسین رضائی قوام‌آبادی در فصلنامه تحقیقات حقوقی منتشر شده است. در این مقاله چنین آمده که قصور در اعلام به موقع شیوع کرونا و عدم آمادگی و فقدان هماهنگی میان دولت‌ها، مقابله و واکنش سریع به این بیماری را دچار اخلال کرد. تمرکز اصلی این مقاله بر موضوع همه‌گیری این بیماری، صلح و امنیت بین‌المللی است و در پی این موضوع است که آیا کووید-۱۹ تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی محسوب می‌شود. اختلاف در مورد منشاء این ویروس میان آمریکا و چین باعث شد از دستورکار شورای امنیت خارج شود. ولی در نهایت شورای امنیت با تصویب قطعنامه ۲۵۳۲، کرونا را بعنوان خطری برای صلح و امنیت بین‌المللی دانست.

## ۲- روش تفصیلی پژوهش

در مقاله حاضر باتوجه به جنس کیفی داده‌ها و ماهیت نظری و بنیادی آن، از روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و آرشیوی از سخنرانی‌های مقامات سیاسی و همچنین دبیرکل سازمان بهداشت استفاده شده و به دلیل نبودن موضوع از سایت‌های معتبر نیز استفاده شده است. در تحقیقات بنیادی براساس روش تحلیل، دو گونه تقسیم‌بندی وجود دارد: تحقیقات بنیادی تجربه‌ای و تحقیقات بنیادی نظری، پژوهش حاضر از این جهت جزء تحقیقات بنیادی نظری است که در آن با رویکرد قیاسی و با تکیه بر دانش زمینه‌ای، اطلاعات و مواد اولیه تحلیل به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و سپس با استفاده از تحلیل منطقی و استدلالی نتایج یافته‌ها گزارش می‌شود. به جهت نبودن مسئله پژوهشی یافته‌های تحقیق می‌تواند مبنای برای تحقیقات تجربی و کاربردی باشد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۲: ۵۹).

## ۳- چارچوب نظری: رویکرد رئالیسم ساختاری

نظم روابط بین‌الملل ریشه در تاریخ بشریت دارد و همراه درگیری و صلح در جهان متولد شده و در طول سالیان دراز چالش‌های فراوانی را تجربه کرده است. در این بین چالش و کشمکش بین واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی را می‌توان جزء اولین چالش‌های بین پارادایمی در روابط بین‌الملل به حساب آورد (قاسمی، ۱۳۹۳: ۷۳). برخلاف دیدگاه آرمان‌گرایان که برای ایجاد نظم در محیط بین‌الملل به حقوق و سازمان‌های بین‌المللی تأکید دارند، واقع‌گرایان در تحلیل‌های خود دولت‌ها را بعنوان واحدهای اصلی خود در نظر می‌گیرند که این واحدها به علت تعارض منافع دچار اختلاف شده و کارشان به تعارض کشیده می‌شود. از نظر واقع‌گرایان

روابط بین کشورها بیشتر از آنکه رقابتی یا تخصصی و دوستانه باشد سرشتی بین خیر و شر دارد (کاظمی، ۱۳۷۶: ۹۹۲).

واقع‌گرایی که از آن بعنوان مکتب اندیشه سیاست قدرت یاد می‌شود برای ادوار طولانی بر سیاست بین‌المللی حاکم بوده است. واقع‌گرایی در شکل کلاسیک آن در نوشته‌های توسیدید با کتاب جنگ‌های پلوپونزی در دوران باستان ظهور پیدا کرد اما واقع‌گرایی بصورت رسمی، پیدایش آن را بایستی در دوره بعد از جنگ جهانی دوم جستجو کرد (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۷۵). هابز برخلاف فلاسفه یونان طبع انسان را مدنی و اجتماعی ندانسته و حتی برعکس آنان می‌گفت که در وضع طبیعی انسان دشمن انسان است. این مورد در گزاره «انسان گرگ انسان است» قابل رویت است و هرکس هرچه می‌خواهد برای خود می‌خواهد و به ضرر دیگری می‌خواهد. به باور هابز همه علیه همه در نزاع بوده و هر که قدرت‌اش بیشتر است، غلبه می‌یابد و این حقی است طبیعی که امنیت بشر را به مخاطره می‌اندازد. بنابراین بهترین نیکی‌ها برای هیأت اجتماعی امنیت است و مصلحت و سعادت در این است که انسان با عبور از حق طبیعی و آزادی خود با تأسیس دولت، استقرار امنیت و نظم را فراهم سازد (فروغی، ۱۳۹۰: ۳۷۴).

مورگنتا در مطالعات خود در مورد دلایل اصلی اختلاف حکومت‌ها، ذات شیطانی بشر را امری ثابت شده در تاریخ و غیرقابل اجتناب در حیات سیاسی جوامع می‌داند. او بر این عقیده است که سرشت بشر بطور طبیعی ۵۱ زشت‌صفت، خودخواه، قدرت‌طلب، ستمگر و غیرقابل اعتماد است و برای کسب و حفظ منافع، مجاز به استفاده از هر وسیله‌ای است و در این مسیر هدف وسیله را توجیه می‌کند. انسانیت، نیکوکاری، ایثار، شرافت، سجاوای اخلاقی و سایر ارزش‌های انسانی از خصلت انسان‌های پاک و خاص است و در حوزه شخصی قابل بحث و گفتگو است. ولی وقتی وارد حوزه‌های دیگر بالاخص حوزه سیاست می‌شویم دیگر ارزش‌های اخلاقی و انسانی قابل طرح نیست. بلکه خودمخوری اصل است.

مورگنتا در کتاب معروف خود «سیاست بین ملت‌ها: تلاش برای قدرت و صلح» از اهمیت کسب، حفظ و بسط قدرت سخن به میان می‌آورد. در دنیای سیاست، حکومت‌ها در پی افزایش قدرت خود هستند و هر حکومتی که به دنبال صلح است باید قدرت خود را افزایش داده و با دیدی واقع‌بینانه و حساب‌گرایانه منافع و اهداف خود را دنبال کند. به نظر مورگنتا رئالیسم از سه مفروض اصلی بهره برده است: ۱- بازیگران اصلی در روابط بین‌الملل کشورها هستند؛ ۲- سیاست داخلی کشورها با سیاست خارجی یا روابط بین‌الملل متفاوت و مجزاست؛ ۳- کسب، حفظ و ازدیاد قدرت رکن اصلی در روابط بین کشورها با یکدیگر است. مورگنتا حوزه اخلاق و معنویت را جدا از حوزه سیاست و روابط بین‌الملل می‌داند و براین عقیده بود که خصوصیات سیستم بین‌الملل با رفتار واحدهای سیاسی تغییر نمی‌یابد (سریع‌القلم، ۱۳۹۵: ۱۷۱-۱۷۰). همین‌طور ماکیاولی

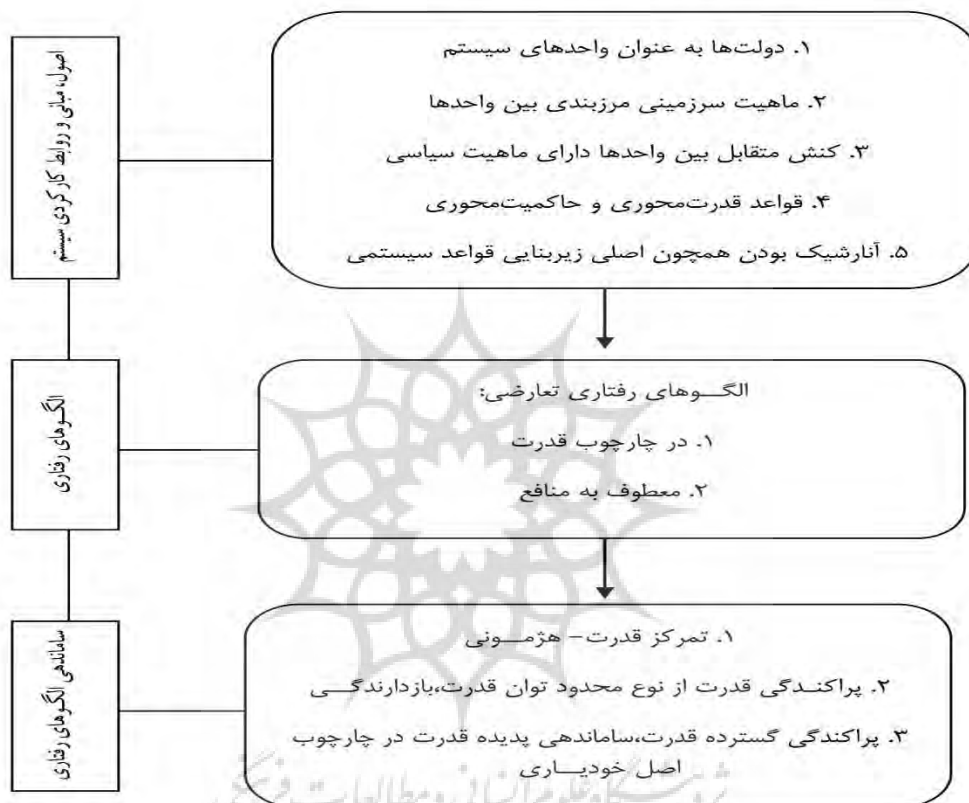
عقیده داشت جوهره کنش سیاسی، کسب و حفظ قدرت است. او بر این باور بود که در فعالیت‌های سیاسی، زور و تزویر امری است حیاتی و دولت نباید برای حفظ بقا و صیانت از خود مسائل اخلاقی را در نظر داشته باشد (عالم، ۱۳۸۸: ۷۴).

همه رئالیست‌ها چه از نوع کلاسیک، نئوکلاسیک و ساختاری از سه اصل اساسی پیروی می‌کنند که شامل دولت‌سالاری، اصل بقا و اصل خودیاری است. اما از نگاه رئالیسم ساختاری (نئورئالیسم) که این مکتب با والتز و کتاب معروف‌اش با عنوان سیاست بین‌الملل شناخته شده است، سیستم بین‌الملل را مبنای تجزیه و تحلیل خود قرار داده و درگیری و تضاد در سیاست بین‌الملل را از محیط آنارشیک آن (فاقد اقتدار مرکزی) می‌داند. از این رو با وجود تفاوت‌های اساسی در واحدهای این نظام آن‌ها در رویکردها خود به دلیل فشارهای ساختاری عموماً بطور یکسان و مشابه عمل می‌کند (قوام، ۱۳۸۸: ۳۶۲-۳۵۸).

گرچه نئورئالیسم مانند رئالیسم کلاسیک مفروض‌هایی چون دولت‌محوری، قدرت‌محوری و امنیت‌محوری و عقلانیت واحدها را قبول دارد ولی برخلاف رئالیسم کلاسیک ریشه درگیری و جنگ را در ساختار بین‌الملل جستجو می‌کند و نه در سرشت انسان و ماهیت کشورها و معتقد است عملکرد داخلی کشورها بر سیاست خارجی آن‌ها چندان تأثیرگذار نیست. در فقدان یک مرجع مقتدر مرکزی در نظام بین‌الملل، موثرترین راه برای تضمین بقا و حفظ کیان یک کشور، بیشینه‌سازی قدرت کشورهاست (فیروزآبادیان و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۶). از دیدگاه والتز نظام بین‌الملل بعنوان یک سیستم فاقد اقتدار مرکزی است که دولت‌ها در آن برای کسب بیشترین منافع و بقا خود مجبور به افزایش قدرت خود در ابعاد مختلف هستند. در محیط بین‌الملل اصل کمیابی حاکم بوده است و این محیط توانایی برطرف کردن منافع و نیازهای همه کشورها را ندارد. به همین دلیل قدرت بعنوان هدف غایی در سیاست خارجی کشورها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. تلاش کشورها برای تأمین منافع و نیازهایشان باعث تضاد و نزاع بین واحدها سیستم بین‌المللی می‌شود، در نتیجه کشورها باید از قدرت یافتن یک کشور از طریق افزایش قدرت خود موجب بازدارندگی کشور متخاصم شوند. تعاملات کشورها در چنین محیطی که فاقد اقتدار مرکزی است، بازی با حاصل جمع صفر می‌باشد (جهانی‌نسب، ۱۳۹۹: ۵-۳).

به عقیده والتز دولت‌ها بعنوان بازیگران اصلی سیستم بین‌الملل از لحاظ کارکردی عملکرد یکسانی دارند. هرچند دولت‌ها از قدرت برابر برخوردار نیستند اما در کارکرد با یکدیگر مشابه هستند. این کارکرد مشابه به دلیل تأثیر اصل نظم دهنده سیستم-آنارشی است. بعبارت دیگر در محیط بین‌الملل به دلیل عدم وجود یک حکومت مرکزی، قوانین و احکام صادره غیرقابل اجراست و در نتیجه فضایی از ناامنی حاکم می‌شود که هر دولت باید خود به تنهایی امنیت خویش را تأمین کند. معمای امنیت برای همه کشورها بدون در نظر گرفتن قدرت آن کشور در نظام بین‌الملل و همچنین ساختار داخلی آن‌ها، مشترک است. لذا دولت‌ها برای تأمین

امنیت ناچار به افزایش قدرت و توان ملی خود هستند (محمدخانی، ۱۳۸۸: ۹۳). برطبق نگرش رئالیست‌ها نسبت به محیط نظام بین‌الملل، روابط بین دولت‌ها در سه میدان اصول و مبانی کارکردی سیستم، الگوهای رفتاری و ساماندهی آن‌ها عمل می‌کند که در نمودار ذیل ترسیم شده است:



شکل (۱) چارچوب تحلیلی بحث: روابط بین‌الملل از منظر واقع‌گرایی (قاسمی، ۱۳۹۳: ۲۷-۴۸)

در رویکرد رئالیست‌های ساختاری استقلال کشور از اهمیت فراوانی برخوردار است. به همین دلیل هر کشوری، کشورها دیگر را به چشم رقیب نگریسته و موجودیت و منافع خود را به ضمانت کشورهای دیگر گره نمی‌زند. در سیاست خارجی، نظام بین‌المللی چنین خوش‌بینی را برای بقای یک کشور خطرناک و غیرقابل قبول می‌داند. در نبود اقتدار مرکزی (خصلت آنارشیک) فضایی از بی‌اعتمادی و ابهام بر روابط بین کشورها سایه افکننده

است. کشورها از هیچ اقتدار عالی‌های فرمان نمی‌برند و براساس منافع خود عمل می‌کنند. بنابراین هر کشور باید به تنهایی برای تأمین منافع و بقا خود تلاش کند. واقع‌گرایان با در نظر گرفتن اصل خودیاری میان حوزه داخلی و خارجی تفکیک قائل‌اند. زیرا سیاست خارجی با یک محیط آنارشیک روبروست در حالیکه سیاست داخلی در محیطی قاعده‌مند با وجود یک اقتدار عالی‌ه همراه است (قوم، ۱۳۸۹: ۸۱). دولت‌ها از نظر قدرت با یکدیگر برابر نیستند بعضی از کشورها قدرتمندتر از دیگر کشورها در صحنه بین‌المللی ظاهر می‌شوند و برای حفظ و بقا خود بیشترین اهمیت را قائل‌اند. همین امر موجب می‌شود که دولت‌ها بین اخلاق و سیاست تمایز قائل شوند. نیاز به بقا، رهبران کشورها را از مقوله اخلاق دور می‌کند زیرا بقا مهم‌ترین و حیاتی‌ترین هدف هر دولت است و به هیچ قیمتی قابل چشم‌پوشی نیست (اطاعت و رضایی، ۱۳۹۰: ۲۲). همانگونه که کیسنجر معتقد است «بقای یک ملت مسئولیت اول و آخر آن است و نباید مورد معامله قرار گرفته یا در معرض خطر قرار گیرد» (Kissinger, 1977: 39).

#### ۴- واکاوی تاریخی ظهور اپیدمی/پاندمی‌ها در جهان

دو واژه اپیدمی (همه‌گیری) و پاندمی (همه‌گیری جهانی) گاهی به جای دیگری استفاده می‌شود. اما این دو واژه تفاوت‌های اساسی با یکدیگر دارند. اگرچه در هر دو واژه از پسوند «دمی» استفاده شده است ولی در پیشوند «پی» و «پان» با هم متفاوت‌اند. واژه «دمی» به معنای «مردم» (برابر واژه دموس) است که در کلمه دموکراسی نیز بکار رفته است (دموس به معنای مردم و کراتیا به معنای حکومت). واژه «پی» در اپیدمی در زبان یونانی «پس» «نزدیک» و «در» معنی می‌دهد ولی واژه «پان» در پاندمی به معنای همه می‌باشد. باتوجه به توضیحات ارائه شده این دو واژه را می‌توان اینگونه تعریف کرد: «اپیدمی به معنای همه‌گیری بیش از حد انتظار یک بیماری به نسبت سال‌های گذشته و یا در دوره‌های قبل است و پاندمی به معنای همه‌گیری ناگهانی و گسترش سریع آن در یک ناحیه، منطقه، کشور، قاره و یا کل جهان را می‌گویند» (اسلامی، ۱۳۹۹: ۵). جهان در طول تاریخ ۲۱ اپیدمی/پاندمی را به خود دید که ما به چند مورد آن بطور اختصار اشاره می‌کنیم:

حدود ۵۰۰۰ سال پیش در یک روستا باستانی ویروسی به نام سیرکا شیوع پیدا کرد. کشته‌های این ویروس در سوله‌های مخصوص انباشته و بعد به آتش کشیده می‌شد. در بین جان‌باختگان تمامی گروه‌های سنی اعم از کودک، جوان، میانسال و پیر دیده می‌شد. این روستا در منطقه هامین مانگا که یکی از بهترین امکان باستانی در چین است واقع شده بود و به دلیل کشف یک گور دسته‌جمعی در همان محدوده زمانی در منطقه میژاگو در شمال چین نشان از همه‌گیری این بیماری در آن زمان دارد. حدود ۴۳۰ سال قبل از میلاد مسیح کمی بعد از شروع نبرد آتن و اسپارت همه‌گیری ویروس طاعون که پنج سال به طول انجامید و جان بسیاری



از آتنی‌ها را گرفت. برخی‌ها از کشته شدن حدود ۱۰۰ هزار نفر خبر دادند. بعضی‌ها معتقدند طاعون آتن از تب حصبه یا ابولا بوده که ازدحام جمعیت در اثر جنگ آن را تقویت کرد. با وجود همه‌گیری جنگ ادامه پیدا می‌کند و ارتش اسپارت که قوی‌تر بود پیروز و آتن را تصرف و پایتخت خود قرار می‌دهند. شیوع طاعون ژوستینین که در سال ۵۴۱ تا ۵۴۲ میلادی سرآغاز سقوط امپراتوری بیزانس بود. این اپیدمی طی چندین سال بارها تکرار شد و برآورد می‌شود ۱۰ درصد از جمعیت جهان را به کام مرگ کشاند. این اپیدمی به نام امپراطور بیزانس، ژوستینین اول نام‌گذاری شد. در زمان حکومت او بیزانس در اوج قدرت خود بود بطوریکه قلمرو او از خاورمیانه تا اروپای غربی امتداد داشت. کلیسا آیا صوفیه که قرن‌ها مرکز کلیسای ارتدکس خاوری بود توسط او بنا شد. او همچنین قسطنطنیه را مرکز امپراتوری خود قرار داد. ژوستینین خود به این بیماری مبتلا شد. اما از مرگ جان سالم به در برد. اما قدرت و قلمرو امپراتوری ژوستینین بعد از همه‌گیری طاعون به شکل گسترده‌ای کاهش پیدا کرد. بیماری طاعون آمریکایی در قرن شانزدهم بوسیله کاشفان از اروپا به آمریکا انتقال داده شد. این همه‌گیری به فروپاشی تمدن اینکاها و از تک منجر شد که بر اثر آن ۹۰ درصد بومیان آمریکا جان خود را از دست دادند. این بیماری در شکست بومیان آمریکا از نیروهای اسپانیایی نقش مهمی ایفا کرد. بطوریکه هر دو ارتش از تک و اینکا به دلیل شیوع این بیماری ضعیف شده و اسپانیایی‌ها توانستند هر دو امپراتوری را نابود کنند (Jarus, 2020).

۵۵

حدود صد سال پیش یک بیماری همه‌گیر به نام «آنفلونزای اسپانیایی» سراسر جهان را فرا گرفت و حدود یک سوم جمعیت جهان را آلوده کرد و حدوداً ۵۰ میلیون نفر را از بین برد. همه‌گیری آنفلونزای ۱۹۱۸ شدیدترین بیماری همه‌گیر در تاریخ معاصر بود. تعداد کشته شدگان این بیماری بیشتر از تعداد کل مرگ و میرهای نظامی ناشی از جنگ جهانی اول بود که هم‌زمان اتفاق افتاد. این ویروس اولین بار در پرسنل نظامی ایالات متحده، شناسایی شد (ندیم، ۱۳۹۲: ۹۶). سندرم تنفسی حاد شدید<sup>۱</sup> یک بیماری تنفسی ناشی از کرونای ویروس مرتبط با سارس است. این ویروس برای اولین بار در اواخر فوریه ۲۰۰۳ در چین ظاهر شد که یک ویروس معلق در هواست که می‌تواند از طریق قطرات کوچک بزاق به شیوه آنفلونزای و سرماخوردگی منتقل می‌شود. این ویروس از طریق مسیرهای هوایی بین‌المللی گسترش پیدا کرد و حدود ۷۷۴ تا ۸۱۲ نفر را به کام مرگ کشاند (جانقربانی، ۱۳۸۲: ۲).

در سال ۲۰۰۹ آنفلونزای A(H<sub>1</sub>N<sub>1</sub>) بصورت یک پاندمی جهان را فرا گرفت. تجزیه و تحلیل این ویروس نشان می‌دهد از ویروس آنفلونزای حیوانی (خوک) سرچشمه گرفته است و ارتباطی با آنفلونزای فصلی که از سال ۱۹۷۷ شیوع پیدا کرد ندارد. پس از گزارش‌های اولیه درباره شیوه این بیماری در آمریکا شمالی (مکزیک)

<sup>۱</sup> Severe acute respiratory Syndrome (SARS)

در آوریل ۲۰۰۹ به سرعت در سراسر جهان گسترش یافت. این ویروس که از خوک به انسان منتقل شده بود، سرعت انتقال آن نسبت به آنفلونزای پرندگان بیشتر ولی کشندگی آن کمتر بود (خوشدل و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۳۰).

بیماری ویروسی ابولا توسط ویروس ابولا از طریق تماس با خون یا مایعات بدن حیوانات آلوده و ترشحات فرد آلوده به دیگران منتقل می‌شود. این بیماری نخستین بار در نژاد، سودان و کنگو در سال ۱۹۷۶ دیده شد که بعداً در یک روستا در نزدیکی رودخانه‌ای به نام ابولا دوباره شیوه پیدا کرد که نام بیماری از نام این رودخانه گرفته شد. شیوع ابولا در فوریه ۲۰۱۴ در گینه آغاز و شایع‌ترین فراگیری این بیماری در طول تاریخ بوده و چندین کشور آفریقایی از جمله لیبریا، سیرالئون و همچنین ایالات متحده و اسپانیا را درگیر کرد و منجر به مرگ ۴۹۹ نفر شد (طولابی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳).

در ماه دسامبر ۲۰۱۹ شیوع بیماری از کشور چین و از شهر ووهان آغاز شد و جهان را با بحران بزرگی روبرو کرد. این بیماری کرونا ویروس نوین یا کووید-۱۹ (COVID-19) نام دارد. این بیماری از خانواده کرونا ویروس است که به نظر اکثر محققان از حیوان (خفاش) به انسان منتقل شد، دقیقاً همان حیوانی که باعث انتقال ویروس سارس شده بود که در نهایت در تاریخ ۱۱ مارس ۲۰۱۹ رئیس سازمان بهداشت جهانی این بیماری را یک بیماری پاندمیک اعلام کرد که تغییرات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... فراوانی را به همراه داشته و تا زمان نگارش مقاله حاضر، حدود ۵۷۳۳۰۰۰ نفر را به کام مرگ کشانده است (اولیا و پاکزاد، ۱۳۹۹: ۲۲۳).

۵۶

## ۵- دیپلماسی در بستر نظام بین‌الملل در گذر به جهان پسا کرونا

### ۵-۱- مفهوم‌شناسی دیپلماسی

دیپلماسی از ریشه واژه Diploma که یک واژه یونانی است گرفته شده است و معنی لغوی آن هر برگ یا کاغذ نوشته تا شده است با مهر بالاترین مقام که به سبب آن، درجه، امتیاز، مسئولیت و یا مقامی به کسی تعلق می‌گیرد و بطور خاص صفت «دیپلماتیک» به روابط خارجی دولت‌ها با یکدیگر و «دیپلماسی» به نحوه اداره این روابط اشاره می‌کند (صدر، ۱۳۹۳: ۴). واژه دیپلماسی در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دارای معانی مختلفی است و براساس استفاده در حوزه‌های مختلف این علوم تعریف شده است. از دیپلماسی تعاریف گوناگونی چون «سیاست خارجی»، «علم سیاست»، «قواعد و روابط بین دولت‌ها»، «سازمان اداره امور خارجی» و «فن ارتباط با کشورها» ارائه شده است و هر کدام از این تعاریف یک جنبه از دیپلماسی را بیان می‌کند. در تعریف فرهنگ روابط بین‌الملل لانگمن، دیپلماسی عمل هدایت روابط دولت‌ها با یکدیگر از طریق مراجع رسمی می‌باشد. اما تمامی این تعاریف یک هدف را که همان پیشبرد سیاست خارجی است را دنبال می‌کند (آلادپوش و توتونچیان، ۱۳۷۲: ۴).

دیپلماسی که نمایندگی منافع یک دولت را برعهده دارد به تنظیم و شناسایی اهداف و مقاصد ملی می‌پردازد و از این طریق با ابداع و ارائه پیشنهادهای مناسب در شرایط مختلف به کمک مقامات دولتی می‌آید. هدف اولیه از روابط سیاسی یک دولت با سایر دولت‌ها حفظ و پاسداری از منافع ملی است. بدون شک مهم‌ترین و شاخص‌ترین منفعی که هر دولتی خود را موظف به حراست از آن می‌داند امنیت و استقلال است. علاوه بر این منافع اقتصادی، بازرگانی و همچنین حمایت از اتباع خودی در سایر کشورها از اهداف مهمی است که دیپلماسی به دنبال آن است (حق‌شناس‌کمیاب، ۱۳۹۰: ۳۷). لذا دیپلماسی را باید هنر ایجاد ارتباط بین عناصر قدرت ملی به بهترین شکل با آن دسته از ویژگی‌های شرایط بین‌المللی دانست که بطور صریح به منافع ملی مربوط می‌شوند. دیپلماسی مغز متفکر قدرت ملی است که تهیه و اعمال سیاست خارجی را برعهده دارد. دیپلماسی به دلیل اهمیت فراوانش در قدرت ملی سایر عوامل کلیدی قدرت ملی از جمله موقعیت جغرافیایی، تولید ملی، توان نظامی و جمعیت را به شکل مجموعه‌ای یک دست ترکیب کرده و به آن سمت و سو می‌دهد (مورگنتا، ۱۳۸۴: ۲۴۷ - ۲۴۶).

دیپلماسی با مدیریت مناسب میان دولت‌ها و روابط دولت با سایر کشورها سروکار دارد. از منظر دولت دیپلماسی با گفتگو، ایجاد و اجرای سیاست خارجی مرتبط می‌باشد. دیپلماسی راهکاری است که دولت‌ها را به وسیله آن با استفاده از تبادل نظرات، دیدارها، رایزنی‌های پشت‌پرده، مذاکرات محرمانه، اعمال قدرت و ۵۷ دیگر فعالیت‌ها، به اهداف خود در سیاست خارجه رهنمون می‌سازد (بارستون، ۱۳۷۴: ۶۵). وظیفه اصلی دیپلماسی اداره نظم نیست بلکه مدیریت بر تحولات و حفظ نظم در بحبوه تحولات از طریق نوعی جریان‌سازی مستمر مجاب‌سازی است و هدف از دیپلماسی هدایت روابط میان دولت‌ها با میانجیگری نمایندگان رسمی آن‌ها و وظیفه اصلی آن مدیریت روابط کشورها با بازیگران دیگر بوسیله مذاکره است (Melissen, 2005: 5). دیپلماسی را از جنبه جوهره کنشگران دخیل در آن می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: دیپلماسی دولت‌ها با یکدیگر (رسمی)، دیپلماسی دولت‌ها با مردم (دیپلماسی عمومی) و دیپلماسی مردم با مردم (دیپلماسی خطی) (هادیان و سعیدی، ۱۳۹۲: ۴۰).

در مفهوم سنتی دیپلماسی عبارت است از سیاست‌های که دولت در روابط خود به وسیله نمایندگان رسمی با دولت‌های دیگر به منظور حفظ و کسب منافع ملی بکار می‌گیرد (بینا، ۱۳۸۳: ۴-۱). رئالیسم و دیپلماسی سنتی هر دو دولت را بازیگر اصلی در نظام بین‌الملل به حساب می‌آورند. همان‌طور که واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل از اهمیت فراوانی برخوردار است، دیپلماسی هم به شکل سنتی دارای اهمیت ویژه‌ای در مطالعات روابط بین دولت‌ها است. در واقع نهاد دیپلماسی در دولت واقع‌گرا عموماً از نوع دیپلماسی سنتی و رسمی است و هر دو بر اهمیت تاریخی نهاد دیپلماتیک کاملاً واقف‌اند (محمدیان و رضایی، ۱۳۹۵: ۱۲۰). دو واقعیت

را نباید نادیده گرفت: یکی اینکه بسیاری از موازین و رویه‌های به جا مانده از نظم و ستفالیایی نظیر محوریت نقش دولت‌ها در عصر پسا وستفاليا همچنان از اهمیت فراوانی برخوردار هستند و دچار اضمحلال و دگرگونی هویتی نشدند. دیپلماسی مثل سابق با سرپرستی و نظارت دولتی، بعنوان وسیله‌ای برای بر آوردن اهداف و منافع ملی محسوب می‌شود و هنوز هم مهم‌ترین نشست‌های دیپلماتیک میان مقامات دولتی برگزار می‌شود. اما از سوی دیگر تحولات دهه‌های اخیر را نباید نادیده گرفت تغییراتی که نقش بی‌نظیر کنشگران فردی و جمعی و تأثیرگذاری آنان را بر تحولات سیاسی برجسته‌تر از قبل کرده است. به همین دلیل دولت‌ها مجبورند رویه‌های جدیدی را باتوجه به عصر حاضر و شرایط جدید برگزینند (سعیدی، ۱۳۹۶: ۱۱۱).

## ۵-۲- چالش‌ها و موانع همگرایی بین دولت‌ها

دولت‌ها در روابط بین خود از ابزارهای دیپلماتیک استفاده می‌کنند. بویژه در شرایط بحرانی که گستره وسیعی از نظام بین‌الملل را در بر می‌گیرد. از جمله ظهور اپیدمی/پاندومی‌ها. اما در فضای فعلی سوال اساسی اینجاست که دولت‌ها در مدیریت بحران کرونا و ویروس نوین در فرایند دیپلماتیک به همگرایی می‌گیرند یا به واگرایی؟ نواقعی‌گرایی به اصول و مفروضات اصلی واقع‌گرایی وفادار است و براساس این مفروضات چالش‌ها و موانع همگرایی را چنین احصاء می‌کند:

### ۱) محیط آنارشیک نظام بین‌الملل

نواقعی‌گرایان معتقدند نظام بین‌الملل برخلاف سیستم داخلی بی‌نظم و هرج و مرج طلب است. البته این بی‌نظمی هرج و مرج و عدم وجود نظم معنی نمی‌دهد. آن‌ها نظام بین‌الملل را متشکل از واحدهای سیاسی مستقلی در نظر می‌گیرند که فاقد اقتدار مرکزی است. در این نظام حاکمیت را باید جزء ذات حکومت‌ها دانست زیرا مرجع بالاتری وجود ندارد و در واقع بی‌نظمی و آنارشی به منزله فقدان حکومت مرکزی در نظام بین‌الملل بوده که همین امر موجب می‌شود، کشورها برای تأمین اهداف و منافع خود به رقابت با یکدیگر بپردازند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲: ۹۸).

اصل در نظام بین‌الملل برخلاف نظام داخلی که سلسله مراتبی است آنارشی است و کشورها در سیستم بین‌الملل بصورت افقی با همدیگر قرار گرفته و به همین دلیل نظام بین‌الملل برخلاف نظام داخلی کشورها، ناامن است و حقوق بین‌الملل در این نظام پشتوانه اجرا ندارد. پس در این نظام به دلیل نبود اقتدار مرکزی دولت‌ها خود را ملزم به اجرای قوانین و قواعد بین‌المللی نمی‌دانند و در نتیجه ضمانت اجرا برای احکام صادره وجود ندارد. با وجود تفاوت سیستم داخلی با سیستم بین‌المللی که با آنارشی همراه است، فقدان اقتدار مرکزی و به عبارتی آنارشی اصل نظم دهنده در سیستم بین‌الملل محسوب می‌شود (Waltz, 1979: 102).

**۲) قدرت محوری**

در محیط آنارشیک بین‌الملل نیروی محرکه شکل دهنده روابط بین‌الملل شامل تلاش برای کسب و حفظ قدرت است که در سه مدل و الگو قابل بررسی می‌باشد:

۱- حفظ قدرت؛ ۲- افزایش قدرت؛ ۳- نمایش قدرت.

هر کدام از الگوهای سه‌گانه مذکور، به ترتیب ناظر به هریک از موارد فوق هستند:

الف) سیاست حفظ وضع موجود؛

ب) سیاست امپریالیستی؛

پ) سیاست کسب اعتبار (پرستیژ).

سیاست کشورها در نظام بین‌الملل از این سه الگو پیروی می‌کنند یک کشور یا خواهان حفظ قدرت است یا افزایش قدرت یا نمایش قدرت که بستگی به اهداف و جایگاه کشورها در نظام بین‌الملل دارد. حداقل تلاش دولت‌ها محافظت از خود و حداکثر ان سلطه بر دیگر کشورهاست (مورگنتا، ۱۳۶۷: ۵۲۴).

قدرت در نئورئالیسم مانند رئالیسم کلاسیک یک مفهوم مرکزی برای تحلیل روابط بین‌الملل است. ولی تلاش کشورها برای کسب قدرت، برخلاف رئالیسم کلاسیک از ذات و سرشت شرور انسان سرچشمه نمی‌گیرد بلکه از ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل نشأت می‌گیرد. قدرت به خودی خود یک هدف نیست بلکه ابزاری است ۵۹ برای رسیدن به هدف اصلی که تأمین امنیت و بقا یک کشور، در نظام آنارشیک بین‌الملل در گرو آن است. لذا در نبود یک مرجع بین‌المللی و اقتدار مرکزی، کشورها برای صیانت از خود باید به اندازه مقتضی از قدرت برخوردار باشند (فتحی، ۱۳۹۹: ۲۶۴).

**۳) بقا و صیانت**

در محیط آنارشیک نظام بین‌الملل هیچ کشوری نباید بقا و امنیت خود را به ضمانت دیگر کشورها گره بزند. بقا و امنیت مهم‌ترین و بالاترین هدف کشورهاست. امنیت واحدها در نظام بین‌الملل از مهم‌ترین دغدغه‌های دولت‌هاست؛ لذا کارکرد آن‌ها در جهت تأمین بقا و صیانت از امنیت است. در این صورت اولین دغدغه و هدف دولت‌ها افزایش قدرت نبوده بلکه حفظ جایگاه آن کشور در نظام بین‌الملل است. بقا جزء مفروضاتی است که همه رئالیست‌ها با انواع گرایش‌ها آن بدان معتقدند. در واقع امنیت اصلی مهم و پیش‌شرط همه اهداف در رویکرد رئالیستی می‌باشد؛ چه ضرورتی برای غلبه بر دیگر کشورها وجود داشته باشد و چه حفظ استقلال کشور موردنظر باشد. جزء بقا، سایر اهداف کشورها بی‌نهایت متنوع است (نوریان، ۱۳۸۸: ۲۳۷).

مهم‌ترین دلیلی که دولت‌ها را مجاز به استفاده از زور در رابطه خود با دیگر کشورها می‌کند، اصل بقا، صیانت و منافع ملی است. باتوجه به اینکه بقا همان استقلال سیاسی و تمامیت ارضی (حاکمیت ملی) است، کشورها

تمام تلاش خود را کرده تا از رقبای خود در بحث امنیت ملی و بین‌المللی پیشی بگیرند تا از این طریق تمامیت ارضی خود را صیانت کنند. بطور کلی در رویکرد رئالیستی، امنیت کشور به جهت تأمین بقا در اشکال سیاسی- نظامی بصورت حفظ مرزها و تمامیت سرزمینی و ارزش‌های یک دولت در برابر محیط متخاصم بین‌المللی قابل تعریف است (قوام، ۱۳۸۹: ۳۵۸).

#### ۴) دولت محوری و خودیاری

از مفروضات اصلی پارادایم واقع‌گرایی این است که دولت‌ها در نظام بین‌الملل بازیگران اصلی محسوب می‌شوند و مهم‌ترین وظیفه آن‌ها صیانت از ذات کشور است. مطابق این پارادایم هیچ‌کدام از نهادهای بین‌المللی و فراملی توان سلطه و حکومت بر نظام بین‌الملل را در حال حاضر دارا نیستند. بنابراین دولت‌ها برای تأمین منافع ملی و اهداف خویش باید بر توان خود اتکا کنند.

برطبق این نگرش، نقش دولت در نظام بین‌الملل مورد توجه فراوان قرار گرفته و روابط بین‌الملل نیز متشکل از دولت‌هاست که هر یک در فکر بیشینه‌سازی قدرت خود هستند. دولت‌ها در روابط خود با دیگر کشورها به دنبال تأمین منافع ملی و قدرت‌طلبی بوده که برای تأمین آن به ابزارهای فراوانی نیازمند هستند. در کل براساس نظریه رئالیسم، سیاست بین‌المللی یعنی روابط بین دولت- ملت‌ها و دولت- ملت‌ها را بعنوان یک بازیگر یکپارچه واحد در نظر می‌گیرد. البته کانون توجهش را بر دولت- ملت‌های قدرتمند است (فتحی، ۱۳۹۹: ۸۲۶).

در نظام بین‌الملل حکومت مرکزی وجود ندارد تا جلوی زورگویی و تجاوز کشورها را بگیرد. در چنین محیطی امنیت بوسیله اصل خودیاری قابل تأمین است. در محیط آنارشیک و هرج و مرج آمیز بین‌الملل خودیاری از ملزومات موردنیاز کشورها برای موجودیت و حفظ امنیت است. به سخن دیگر امنیت هر کشور بستگی به قدرت و جایگاهش در نظام بین‌الملل دارد. این کوشش و اهمیت دولت‌ها برای تأمین منافع و اهداف خود ممکن است نامنی دیگر واحدها را به همراه داشته و موجب ایجاد حس ناامنی بین کشورها شود (Waltz, 1979: 126).

#### ۵) انتخاب عقلانی

از دیدگاه رئالیست‌ها دولت‌ها در تلاشند تا در رفتار خود با دیگر کشورها براساس عقلانیت عمل کنند و به نوعی می‌توان گفت دولت- ملت‌ها، بازیگران عقلانی محسوب می‌شوند که بر مبنای اصل محاسبه‌گری به پیشبرد اهداف خود می‌پردازند و بیش‌ترین تلاش خود را برای افزایش قدرت بکار می‌برند و از این راه به دنبال افزایش ضریب امنیت و شانس بقایشان هستند. از این‌رو، رفتار عقلانی این بازیگران منافع آن‌ها را تأمین می‌کند. تعریف کلی از تصمیم عقلانی عبارت است از: محاسبه درست و کاربردی از رابطه بین اهداف و وسیله. بعبارت دیگر رفتاری را عقلانی به حساب می‌آوریم که واحدها در فرایند تصمیم‌گیری خود از این

سه مرحله به ترتیب گذر کنند: ۱- درجه‌بندی اهمیت اهداف و اولویت‌بندی آن؛ ۲- توان تشخیص تقدم و ملاحظات پسود و زیان عناصری که آن واحد را به سمت اهدافش سوق می‌دهد؛ ۳- در پیش گرفتن روشی که تمامی منافع واحد را در نظر گرفته و در تلاش برای بیشینه‌سازی آن باشد (Davids, 1969: 70-71). دولت‌ها براساس بیشینه کردن سود و کمینه کردن ضرر و زیان عمل کرده و اصل عقلانیت در عملکرد آن‌ها کاملاً مشهود است. به همین دلیل در صورتی که هزینه عمل آن‌ها در نظام بین‌الملل افزایش یابد، از ادامه آن سیاست نامناسب خودداری خواهند کرد و با پیش‌بینی نتایج اقدام خود، نوع رفتار و الگوهای رفتاری خود را تغییر می‌دهند (قاسمی، ۱۳۹۳: ۲۸۵). براساس این نگرش، محاسبه‌گری حول دو نوع عقلانیت در گردش است: ۱- عقلانیت مولفه‌ای؛ ۲- و عقلانیت استراتژیک که مورد اخیر خود نیز به دو قسم قابل تقسیم‌بندی است که بازیگران بین‌الملل از منظر رئالیست‌ها توأمان برطبق هر دو مورد عمل می‌کنند: عقلانیت پارامتریک (نظریه فایده) و عقلانیت استراتژیک (نظریه مسابقه). در عقلانیت پارامتریک تصور بر این است که کنش‌گران براساس مطلوبیت و فایده در راستای هدف غایی خویش، اقدام می‌کنند. در حالیکه در عقلانیت استراتژیک مبنا براساس عرصه رقابت‌آمیز و منازعه‌آمیز نظام بین‌الملل است و دولت‌ها برطبق کنش دیگر کنش‌گران رفتار و اعمال خود را انتخاب می‌کنند (جهانی‌نسب و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۹-۳۸).

### ۵-۳- نقش دولت‌ها در مدیریت بحران کرونا در ترازوی سنجش

در بیماری‌های پاندمی نظیر کرونا ویروس نوین باتوجه به همه‌گیری شیوع آن بدون هیچگونه مرزبندی‌های جغرافیایی انتظار می‌رود که دولت‌ها بعنوان بازیگران عرصه بین‌الملل با هدف مدیریت آن به سمت وحدت و همکاری سوق یابند: یعنی هرچه میزان همه‌گیری چه به لحاظ مکانی و چه به لحاظ زمانی بیشتر باشد میزان وحدت و همکاری‌های بین‌المللی نیز بیشتر.

شاید از نگاه یک پزشک و یا یک فرد ناآگاه از بازی‌های بین‌المللی چنین به نظر برسد، اما از منظر روابط بین‌الملل با مبنا قرار دادن متغیر میانجی یعنی کسب و صیانت از منافع ملی و یا هر غرض دیگر غیر از اغراض انسان‌گرایانه و پزشکی این موضوع بگونه‌ای دیگر قابل بررسی است. پاندمی کرونا محل تلاقی اندیشه‌ها و نزاع گفتمانی در عرصه بین‌الملل است، که در بعضی مواقع نه تنها امید اخلاق‌گرایان و ایده‌الیست‌ها را مبنی بر وحدت بین کشورها به ناامیدی بدل کرده بلکه آنرا عرصه رقابت‌های سیاسی، اقتصادی و کسب سود بیشتر به هر شیوه ممکن تبدیل می‌سازد. این عدم همکاری در مواجهه با ویروس کرونا را می‌توان در عملکرد و رفتار نظام بین‌الملل و سازمان‌های مرتبط به آن مشاهده کرد. بطوریکه سازمان بهداشت جهانی و سازمان ملل متحد در کمک‌رسانی به کشورهای ناتوان در مقابله با ویروس کرونا و همینطور ایجاد هماهنگی میان کشورها

جهان به منظور جلوگیری از شیوع ویروس نتوانسته تصمیمات لازم را اتخاذ کند. در این راستا خودیاری را باید مهم‌ترین دستاورد بیماری کرونا برای نظام بین‌الملل در دوران پسا کرونا دانست (Kelim, 2020). شیوع این بیماری بار دیگر به ما نشان داد همانطور که نئورئالیست‌ها تأکید می‌کنند دولت‌ها همچنان مهم‌ترین بازیگران نظام بین‌الملل به شمار می‌آیند. چراکه دولت‌ها به دلیل وفور منابع در اختیار و قدرت بسیج‌کنندگی خود در جایگاه نخست سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری برای مقابله با این بحران قرار دارند.

استفان والت در مصاحبه‌ای که اخیراً فارین پالیسی<sup>۱</sup> با او ترتیب داده بود بیان کرد رئالیسم در درجه اول به اثرات محدود کننده آنارشی، دلایل رقابت قدرت‌های بزرگ برای کسب منافع بیشتر و موانعی که موجب عدم همکاری می‌شود متمرکز است و در مورد انتقال، درمان و کنترل بیماری کرونا حرفی برای گفتن ندارد. واقع‌گرایان معتقدند جهان شاهد احیاء دولت ملی خواهد بود و وابستگی دولت‌ها به یکدیگر نمی‌تواند جوهره آنارشیستیک نظام بین‌الملل را تغییر دهد و دلایلی همچون انتخاب ترامپ در آمریکا یا برگزیت در اتحادیه اروپا را می‌آورند که خود نشانه‌ای از بازگشت بر مرکانتالیسم و ملی‌گرایی بوده است که کرونا این جریان را با شتاب بیشتری تقویت کرده است (Walt, 2020). از نظر نئورئالیست‌ها دولت‌ها به شکل عقلانی و منطقی به دنبال منافع ملی خود می‌باشند و با توجه به موقعیت و جایگاه‌شان در صحنه بین‌الملل منافع و برنامه‌هایشان را تعیین می‌کنند (سیف‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۷۹). در نظام آنارشیستیک بین‌الملل امکان همکاری کشورها بسیار محدود است. دولت‌ها هرچند ممکن است از همکاری با دیگر کشورها سود اقتصادی ببرند، اما این دستاوردها تحت شعاع منافع سیاسی قرار می‌گیرد. دولت‌ها همواره از نوع توزیع عواید حاصل از همکاری نگرانند و از اینکه دیگران بیشتر از آنها از همکاری سود ببرند در هراسند و در صورتی دولت‌ها به همکاری دست می‌زنند که این سیاست در خدمت منافع ملی باشد و منجر به افزایش قدرت ملی کشور شود. به عقیده کنت والتز سیستم آنارشیستیک در طول زمان باعث یکنواختی عملکرد امپراتوری‌ها، شهرها و ایالت‌ها تحت فشار ساختاری می‌شود (Buzan & others, 1993: 6).

از نظر رئالیست‌ها، دولت‌ها به همکاری میان خود بعنوان عاملی جهت تأمین منافع خود نمی‌نگرند بلکه همیشه در حال مقایسه این امر هستند که کشورشان در رابطه با کشور مقابل چقدر بیشتر به دست می‌آورد. دولت‌ها در تلاشند در محیط بین‌المللی که سرشار از بی‌اعتمادی، رقابت و بی‌ثباتی است چگونه منافع و دستاوردهای خود را به بیشترین حد برسانند. بنابراین رسیدن به همکاری دشوار ولی حفظ آن مشکل‌تر خواهد بود. نئورئالیست‌ها به فواید مطلق التفاظ دارند و دولت‌ها بدون توجه به آنچه که نصیب دیگران می‌شود سعی می‌کنند مقدار بیشتری از امکانات موجود را به خود اختصاص دهند. در واقع دولت‌ها در روند جامعه‌پذیری اتکا به خود و بی‌اعتمادی به دیگران را فرا می‌گیرند تا ضمن انباشت امکانات برای مقابله با دیگر

<sup>۱</sup> Foreign policy



واحد‌ها، امنیت خویش را حفظ کنند. بنابراین آنارشی بعنوان اصل نظم دهنده دولت‌ها را وادار می‌کند تا بدون در نظر گرفتن توانایی‌هایشان، به وظیفه مهم خود یعنی تقویت نظامی و خودیاری بپردازند. هرچند دولت‌ها بطور مشابه عمل می‌کنند اما از جنبه توانایی‌ها و امکانات در یک سطح نیستند بلکه همیشه در نظام بین‌الملل نوعی تغییر و دگرگونی در توزیع قدرت به شکل نامساوی دیده می‌شود (قوام، ۱۳۸۹: ۹۰-۸۸).

تردید (عدم قطعیت) جزء جوهره نظام بین‌الملل است که باعث بی‌اعتمادی و بی‌ثباتی در این محیط می‌شود. دولت‌ها هیچ وقت نمی‌توانند نسبت به اهداف و مقاصد کشورهای دیگر مطمئن باشند، بنابراین همیشه باید برای حفظ و بقا خود آمادگی داشته باشند. دولت‌ها در پی حفظ کیان و حاکمیت ملی خود هستند در نتیجه بقاء به مهم‌ترین انگیزه کنشگری آنها تبدیل می‌شود. این امر هم از محیط آنارشیک عرصه بین‌الملل سرچشمه می‌گیرد که پایه و اساس روابط بین‌الملل را تشکیل می‌دهد و ترجیحات کنش کشورها را شکل می‌دهد. از این‌رو، مهم‌ترین پیامد آنارشی بی‌اعتمادی کشورها به یکدیگر و ترس از فریب خوردن و فریبکاری کشورهای دیگر است، عاملی که مانع اصلی بر سر راه همکاری بین‌المللی است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۲۰۰).

اصول و هنجارهای اعلامیه حقوق بشر که در چارچوب مسائل حقوقی و سیاسی خاصی تدوین شده است ناظر بر حقوق بنیادین انسان‌هاست که برگرفته از حقوق فطری و طبیعی بشر بوده و محدود به زمان و مکان خاصی نیست. این حقوق ناشی از حیثیت و کرامت انسانی است و جزء جدایی‌ناپذیر فرد محسوب می‌شود. ۶۳

لذا دولت‌ها و نهادهای مرتبط و ذیربط را ملزم به رعایت و احترام به حقوق مزبور می‌کند (Jahaninasab & Eslami, 2016: 83). از این‌رو، دولت‌های متعهد به این اعلامیه نیز حتی در حساس‌ترین موضوع حیات انسانی یعنی بهداشت و درمان تحت تأثیر خصلت آنارشیک نظام بین‌الملل، با نادیده گرفتن ارزش و کرامات انسانی به دنبال بیشینه‌سازی منافع خود هستند. شواهد عینی تا زمان نگارش این مقاله نشان می‌دهد که ویروس کرونا بیش از آنکه جنبه پزشکی، بهداشتی و انسانی داشته باشد به عرصه منازعات و رقابت‌های سیاسی و اقتصادی بین دول جهان تبدیل شده است. مصادیق این مدعا را می‌توان در سخنان مسئولین بین‌المللی و نهادهای ذی‌ربط مشاهده کرد که به چندین نمونه بصورت موجز و مختصر اشاره خواهد شد.

تدروس آدهانوم کبرسیوس، مدیرکل سازمان بهداشت جهانی در جلسه مطبوعاتی ۹ مارس ۲۰۲۰ گفت: توزیع نابرابر واکسن کووید-۱۹ هر روز وحشتناک‌تر می‌شود و خواستار همبستگی بیشتر بین کشورها شد او گفت: کشورهای که افراد جوان و سالم را واکسینه کردند در واقع این کار را به قیمت جان کارکنان بهداشت، افراد مسن و دیگر گروه‌های در معرض خطر در سایر کشورهای دیگر انجام می‌دهند او گفت: این وضعیت بعنوان «لکه ننگی در آگاهی جمعی ما» باقی خواهد ماند (خبرگزاری دانشجو، ۱۴۰۰). به همین دلایل امینه محمد معاون دبیرکل سازمان ملل این ویروس را به یک ویروس نابرابری‌ها میان کشورها جهان تشبیه کرد و

گفت: جهانی که کشورها از یکدیگر فاصله گرفتند یک فاجعه است (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۴۰۰). کشورهای مانند انگلستان و ایالات متحده سطح بالایی از واکسن را تهیه کرده تا بتوانند تا سال ۲۰۲۱ تمام جمعیت خود را واکسینه کنند. داده‌های فعلی میزان بالایی از احتکار واکسن را در این کشورها نشان می‌دهد در حالیکه بسیاری از کشورهای جنوب آسیا، آفریقا و آمریکای جنوبی دسترسی کمتری به این منابع دارند، یک مطالعه توسط واحد اطلاعات اقتصادی نشان می‌دهد کشورهای فقیر ممکن است تا ۲۰۲۴ دسترسی گسترده‌ای به واکسیناسیون نداشته باشند (Fenton- Harvey, 2021).

سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی سازمان ملل در مورد رکود بعضی از اقتصادهای بزرگ در دوران کرونا هشدار داده و معتقد است زمان زیادی طول خواهد کشید تا رکود اقتصادی حاصل از آن برطرف شود. انگل گوریا، مدیرکل این سازمان بر این باور است که ضربه‌ای که پاندومی اخیر بر اقتصاد جهانی وارد کرد بیش از بحران جهانی سال ۲۰۰۸ بوده است و حتی اگر شاهد رکود جهانی نباشیم، برخی از اقتصادهای جهان یا هیچگونه رشدی نخواهند داشت یا رشد اقتصادی‌شان منفی خواهد بود. این امر شامل برخی از اقتصادهای بزرگ نیز می‌شود. بنابراین امسال نه تنها شاهد نرخ پایین رشد هستیم، بلکه بهبود رشد اقتصادی هم در آینده زمان‌بر است» (متنی، ۱۳۹۹: ۱۶۶). از این جهت کرونا از جنبه‌های اقتصادی هم پیامدهای شگرفی می‌تواند داشته باشد و اگر این روند ادامه یابد دور از انتظار نیست چین از این فرصت برای کم کردن فاصله خود در حوزه قدرت با آمریکا استفاده کند. تلاش برای خرید شرکت‌های آمریکایی یا مقابله با نفوذ ایالات متحده در سازمان‌های بین‌المللی از جمله این موارد است. به این دلایل، نئورئالیسم پیش‌بینی می‌کند آمریکا فعالیت‌های ضد متعادل خود مانند اتخاذ اقدامات جدید حمایت‌گری را افزایش دهد. اگر به همین منوال پیش رود ما به احتمال زیاد فاز افزایش تنش خواهیم شد که احتمالاً بر همکاری‌های جهانی و یا مبادله اقتصادی بین‌المللی تأثیر منفی خواهد گذاشت (Rausch, 2020). همچنین گزارش مرکز اقتصادی و بازرگانی (CERB) در بریتانیا نشان می‌دهد چین در سال ۲۰۲۸ به دلیل استفاده از شرایط به وجود آمده از کرونا مقام نخست اقتصاد جهان را به دست خواهد آورد. مدیریت درست و همه‌جانبه کرونا توسط چین و تأثیرات منفی شیوع کرونا بر رشد اقتصادی کشورهای صنعتی، رشد نسبی اقتصاد چین را به همراه خواهد داشت. اقتصاددانان پیش‌بینی می‌کنند چین بین سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۵ رشد متوسط ۵/۷ درصدی را خواهد داشت و بین سال‌های ۲۰۲۶ تا ۲۰۳۰ رشد ۴/۵ درصدی و در پنج سال بعدی رشد ۳/۹ درصدی و در مقابل، آمریکا از سال ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۴ رشدی ۱/۹ درصدی و برای سال‌های بعد تقریباً رشد ۱/۶ درصدی را تجربه خواهند کرد. این رشد اقتصادی به دلیل افزایش تقاضای بین‌المللی برای دستگاه‌های پزشکی، واکسن و ماسک و قطعات الکتریکی خانگی تشخیص کرونا و ... بوده است. اسامیچی کانو، معاون دبیرکل سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، پیش‌تر در نشست توسعه چین ۲۰۲۰ اظهار کرد، از عوامل شتاب رشد چین در

دوران کرونا بسته‌های کمکی در حوزه مالی و آی تی بوده بگونه‌ای که این موارد رشدی ۷/۹ درصدی در سه ماهه دوم و رشد ۱۸/۸ درصدی را در سه ماه سوم همین سال نشان می‌دهد (euronews, 2020).

این تلاطمات بین‌المللی در حوزه اقتصاد، در عدم کارایی سازمان‌های بین‌المللی در بحران کرونا قابل مشاهده است. از جمله آن‌ها ترامپ با زیر سوال بردن سازمان بهداشت جهانی به علت همکاری با چین اعلام نمود که کمک‌های خود را به سازمان بهداشت جهانی قطع خواهد کرد. او گفت چین با پرداخت ۴۰ میلیون دلار در مقابل کمک ۴۵۰ میلیون دلاری آمریکا کنترل سازمان بهداشت جهانی را در دست گرفته است. این مواضع خشم و اعتراض سایر کشورها را به همراه داشت (Holland & Nichols, 2020). همچنین ۲۰۰ هزار ماسک که توسط پلیس برلین به شرکت ۳ام سفارش داده بود پیش از بارگیری در بانکوک متوقف و به دستور ترامپ به سوی آمریکا تغییر مسیر داد. رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرد: «ما به این اقدام برای مصرف داخلی نیاز فوری داریم ما باید آنها را در اختیار داشته باشیم». آندریاس کیزل وزیر داخلی دولت ملی برلین تغییر مسیر ماسک به سمت آمریکا را مصداق «دزدی دریایی» مدرن خواند و به دولت ترامپ توصیه کرد به قوانین بین‌الملل تجارت احترام بگذارد. همچنین کاخ سفید با استفاده از قانون کنترل تولید در زمان جنگ سفارشات کشورهای کانادا و آمریکای لاتین را به شرکت ۳ام بعنوان یکی از بزرگترین تولیدکنندگان ماسک‌های تنفسی آمریکا را متوقف و اولویت را به سفارشات داخلی داد (خبرگزاری دانشجویان ایران، ۱۳۹۹).

۶۵

ضمن بیان این موارد باید از بعد روانشناختی نیز به ذهنیت توهم و توطئه کشورها نسبت به یکدیگر اشاره داشت. در نزاع بین‌الملل با خصلت آنارشیک، بازیگران از مکانیزهای مختلفی با اغراض و اهداف از پیش تعیین شده خویش در راستای کسب منافع ملی استفاده می‌کنند که از آن جمله می‌توان به اتهام‌زنی نسبت به دیگر رقبا اشاره کرد. همانطور که تا به امروز عده‌ای چین را و برخی دیگر ایالات متحده را سبب پیدایش و شیوع این ویروس در جهان می‌دانند. تأکید اصلی این نگرش بر روی تصنعی بودن و ساختگی بودن این ویروس به دست انسان است. از دلایل توطئه آمریکا می‌توان به رقابت استراتژیک آمریکا و چین در دو دهه اخیر و توقف رشد اقتصادی چین اشاره کرد و همچنین از دلایل ساخت این ویروس بوسیله چین به جهش اقتصادی چین از طریق ساخت و توزیع داروی ضدویروس و تحت تأثیر قرار دادن بازارهای جهانی و اختلال در اقتصاد آمریکا و در نهایت شکست ترامپ در انتخابات اشاره کرد (جهانی‌نسب، ۱۳۹۹: ۱۹).

این تنش‌ها میان کشورها به حدی رسید که رئیس سازمان بهداشت جهانی در تاریخ هشتم آوریل (۲ فروردین) ۲۰۲۰ در واکنش به این رویدادها بخصوص تصمیم ترامپ مبنی بر خروج و عدم کمک به سازمان بهداشت جهانی اظهار کرد: باید از سیاسی کردن ویروس کرونا جلوگیری کرد و نباید انگشت اتهام را به سوی دیگران گرفت. او در ادامه گفت: «اگر نمی‌خواهید اجساد بیشتر در تابوت به جای بماند نباید گذاشت که

ویروس را سیاسی کنند و اگر در سطح جهانی نفاق وجود داشته باشد ویروس موفق خواهد شد» و او همچنین خواستار همبستگی و اتحاد بین کشورها شد و اینکه کشورها، کرونای سیاسی را قرنطینه کنند (Chappel, 2020).

### نتیجه‌گیری

در سپتامبر ۲۰۱۹، جهان شاهد ویروسی جدید و ناشناخته‌ای موسوم به کووید-۱۹ بود که بیش از دو سال دنیا را در تمامی ابعاد تحت‌الشعاع خود قرار داد و تا زمان نگارش این مقاله همچنان ادامه دارد. فارغ از جنبه‌های بهداشتی و پزشکی پاندمی کرونا مسئله پژوهشی مقاله حاضر حول محور این سوال اصلی بنا شده است که نقش دولت‌ها را در کنترل و مدیریت شیوع پاندمی کووید-۱۹ در جهان چگونه می‌توان تحلیل و استنتاج کرد؟ فرضیه پژوهش حاضر این است که در شرایط همه‌گیری کووید-۱۹ بر مبنای رویکرد رئالیستی در نظام بین‌الملل دولت‌ها همچنان بر مرزبندی‌های سیاسی و جغرافیایی خود تأکید داشته و کسب قدرت بعنوان بالاترین هدف در روابط کشورها مطرح است. بطوریکه این امر به عدم همکاری و واگرایی بین کشورها منجر شده است. این پژوهش براساس الگوی تحلیلی رئالیسم ساختاری فرضیه خود را به محک آزمایش گذاشته است که در نهایت چنین نتیجه‌گیری شد:

۶۶

با وجود آنکه بحران کرونا در وهله نخست یک بحران بهداشتی محسوب می‌شود اما نمی‌توان بر تأثیرات این ویروس بر حوزه‌های دیگر چشم‌پوشی کرد. پاندمی کرونا تأثیرات عظیمی بویژه در عرصه محیط بین‌الملل از جمله در حوزه اقتصاد و امنیت بین‌المللی به دنبال داشته است. کرونا اقتصاد بین‌المللی را به چالش کشید و موجب تنش در روابط کشورها و رکود اقتصادی آن‌ها شده است. شاخص‌های اقتصادی بسیاری از کشورها از جمله چین و آمریکا رو به نزول است. در حوزه امنیت در عرصه بین‌الملل کرونا موجب افزایش تنش و اختلاف بین کشورها شده و همچنین اصل خودیاری را در نظام بین‌الملل تقویت کرده است. بطوریکه کشورها به توانمندی‌های داخلی خود در مقابله با این ویروس به جای همکاری با سایر کشورها توجه بیشتری مبذول کرده‌اند.

برخلاف آنچه که برای مدت طولانی کشورها بر اهمیت همکاری و وابستگی متقابل کشورها در شرایط ناامنی و بحران‌های بین‌المللی تأکید داشتند، رویکرد رئالیست‌ها مبنی بر خودیاری کشورها تحقق یافته؛ زیرا با آنکه کرونا یک بحران بین‌المللی است و کشورهای بسیاری را درگیر خود کرده است ولی کشورها راه‌حل را در درون مرزهای ملی و توانمندی‌های داخلی خود جستجو می‌کنند و امیدی به همکاری‌های بین‌المللی ندارند. علاوه بر این کرونا بعنوان فرصتی برای کشورها در نظام بین‌الملل تلقی شده است که از طریق کمک‌های خود به کشورهای دیگر برای جلب رضایت آن‌ها در جهت حمایت از سیاست‌های‌شان در عرصه بین‌الملل و

همچنین کاهش تنش‌های سیاسی خود با کشورهای دیگر صورت می‌گیرد. حتی قدرت‌های بزرگ در مورد منشاء ویروس کرونا در جهت اغراض و اهداف سیاسی خود استفاده می‌کنند. چنانچه آمریکا، چین را عامل انتشار ویروس از آزمایشگاهی در ووهان چین معرفی کرده و ترامپ از کرونا با نام ویروس چینی یاد می‌کند و چین هم آمریکا را عامل انتشار این ویروس از طریق هیأتی از سربازان آمریکایی که در جشنواره نظامی در ووهان چین شرکت کردند، می‌داند.

باتوجه به رویکرد واقع‌گرایی و خصلت آنارشی محیط بین‌الملل که فاقد اقتدار مرکزی است، دولت‌ها در پیگیری منافع خود از هیچ روش و کوششی چشم‌پوشی نمی‌کنند و برای تحقق اهداف و افزایش قدرت خود و کاهش قدرت بازیگران دیگر در عرصه بین‌الملل به اصل خودیاری روی آورده‌اند. در واقع شیوع این ویروس به ما نشان داد دولت‌ها همچنان بازیگران اصلی در نظام بین‌الملل به شمار می‌روند و در عرصه بین‌الملل کارکرد یکسانی دارند؛ یعنی همگی در حال جستجو و گسترش قدرت هستند بطوریکه کرونا می‌تواند هسته قدرت را از غرب به شرق منتقل کند و باعث تغییرات ساختاری در نظام بین‌المللی شود.

براساس مفروض رئالیست‌ها مبنی بر اینکه دولت‌ها اصلی‌ترین بازیگران نظام بین‌الملل هستند در دوران کرونا به دلیل پر رنگ شدن این نقش شاهد تضعیف نقش سازمان‌های بین‌المللی در کنترل و مدیریت این ویروس نیز هستیم. چنانچه ترامپ با متهم کردن سازمان بهداشت جهانی به همکاری با چین اعلام نمود که ۶۷ حمایت‌های مالی آمریکا را به این سازمان پایان خواهد داد. در سوی دیگر از دیدگاه رئالیست‌ها دولت‌ها در صورتی به همکاری تن می‌دهند که این همکاری‌ها در جهت افزایش قدرت و پیشینه کردن منافع‌شان باشد. اشاعه این ویروس یکبار دیگر براین ادعا صحنه گذاشت که آرمان‌گرایان در عرصه بین‌الملل مبنی بر برداشته شدن مرزها بین دولت‌ها و رفتن به سمت یک همگرایی بین‌المللی همچنان در غالب یک آرمان باقی بماند. لذا جهان شاهد نه تنها همکاری و هم‌گرایی بین دولت‌ها نبوده بلکه شاهد واگرایی و دوری کشورها از یکدیگر به جهت اغراض خاص خود خواهد بود.

## فهرست منابع

## فارسی:

- ۱- آلاذپوش، علی و توتونچیان، علیرضا (۱۳۷۲)، **دیپلمات و دیپلماسی**، چ ۱، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۲- اسلامی، سعید (۱۳۹۹)، «نگاهی به سیر بیماری‌های واگیر در جهان که منجر به مرگ هزاران نفر شد: جامعه‌شناسی تاریخی پاندمی‌ها»، **روزنامه همدلی**، س ۸، ش ۱۳۹۰.
- ۳- اطاعت، جواد و رضایی، مسعود (۱۳۹۰)، «نظریه رئالیسم و ضرورت بازنگری در مفاهیم آن»، **فصلنامه روابط خارجی**، دوره ۳، ش ۲.
- ۴- اولیا، محمدباقر و پاکزاد، بهنوش (۱۳۹۹)، «پاندمی کرونا، دکمه ری‌استارت کره زمین»، **مجله دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد**، دوره ۲۸، ش ۱.
- ۵- بارستون، آریی (۱۳۷۴)، «ماهیت متحول دیپلماسی»، ترجمه: محمدجعفر جواد، **مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی**، ش ۱۰۱.
- ۶- بینا، علی‌اکبر (۱۳۸۳)، **تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران**، ج ۱، چ ۲، تهران: دانشگاه تهران.
- ۷- جاقربانی، محسن (۱۳۸۲)، «اپیدمیولوژی سندرم تنفسی شدید حاد (سارس)»، **دو ماهنامه پژوهش در علوم پزشکی**، دوره ۸، ش ۱.
- ۸- جهانی‌نسب، احمد و همکاران (۱۳۹۹)، **آسان‌آموز: جستاری در پژوهش‌های علوم انسانی - اجتماعی و مطالعات سیاسی**، چ ۱، تهران: انتشارات ارغنون - ثمره.
- ۹- جهانی‌نسب، احمد (۱۳۹۹)، «بررسی پیدایش و شیوع بیماری کووید-۱۹ در جهان با تأکید بر تئوری توطئه از منظر رویکرد واقع‌گرایی»، **مجموعه مقالات همایش ملی بحران کرونا و چالش‌های فلسفه سیاسی - اجتماعی غرب**.
- ۱۰- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۲)، **مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی**، چ ۱، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۱- حق‌شناس‌کمیاب، سیدعلی (۱۳۹۰)، **مبانی دیپلماسی و آداب دیپلماتیک**، چ ۱، تهران: انتشارات سنا.
- ۱۲- خوشدل، علیرضا و همکاران (۱۳۸۸)، «مروری بر جهانگیری آنفلونزای نوپدید A»، **مجله دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران**، دوره ۷، ش ۳.
- ۱۳- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۹۴)، **نظریه‌ها و فرآیندها در روابط بین‌الملل**، چ ۱، تهران: نشر مخاطب.
- ۱۴- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۲)، «تحول در نظریه‌های منازعه و همکاری در روابط بین‌الملل»، **فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست**، دوره ۵، ش ۸.
- ۱۵- سریع‌القلم، محمود (۱۳۹۵)، **روش تحقیق در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل**، چ ۱۰، تهران: نشر فرزاد روز.
- ۱۶- سعیدی، روح‌الامین (۱۳۹۶)، «چرایی ظهور دیپلماسی نوین در بستر متحول نظام جهانی»، **فصلنامه مطالعه روابط بین‌الملل**، دوره ۱۰، ش ۲۷.

- ۱۷- صدر، جواد (۱۳۹۳)، **حقوق دیپلماتیک و کنسولی**، چ ۱۴، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۸- طولابی، طاهره و همکاران (۱۳۹۶)، «بیماری ویروس ابولا: یک تهدید جدی»، **فصلنامه دانشگاه علوم پزشکی لرستان**، دوره ۱۹، ش ۳.
- ۱۹- عالم، عبدالرحمان (۱۳۸۸)، **بنیادهای علم سیاست**، چ ۳۲، تهران: نشر نی.
- ۲۰- فتیحی، فرحناز (۱۳۹۹)، «بررسی تحلیلی بایسته‌های رئالیسم تهاجمی با نگاه تطبیقی نظریه نواقع‌گرایی»، **فصلنامه قانون یار**، دوره ۴، ش ۱۵.
- ۲۱- فروغی، محمدعلی (۱۳۹۰)، **سیر حکمت در اروپا**، چ ۹، تهران: نشر زوار.
- ۲۲- فیروزآبادیان، مهدی و همکاران (۱۳۹۴)، «تأثیر تئوری‌های واقع‌گرایانه روابط بین‌الملل بر توسعه حقوق بین‌الملل»، **فصلنامه پژوهش حقوق عمومی**، دوره ۱۷، ش ۴۸.
- ۲۳- قاسمی، فرهاد (۱۳۹۳)، **اصول روابط بین‌الملل**، چ ۵، تهران: نشر میزان.
- ۲۴- قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۸۹)، **روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها**، چ ۴، تهران: انتشارات سمت.
- ۲۵- قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۸۸)، **اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌المللی**، چ ۱۵، تهران: انتشارات سمت.
- ۲۶- کاظمی، سیدعلی اصغر (۱۳۷۶)، «آرمانگرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی»، **مجله سیاست خارجه**، دوره ۱۱، ش ۴.
- ۲۷- متنی، حسین (۱۳۹۹)، «بررسی اثرات ویروس کرونا - کووید ۱۹ بر اقتصاد جهانی»، **فصلنامه ارزیابی تأثیرات اجتماعی ویژه‌نامه پیامدهای شیوع ویروس کرونا - کووید ۱۹**، دوره ۱، ش ۲.
- ۲۸- محمدخانی، علیرضا (۱۳۸۸)، «تبیین رویکرد نواقع‌گرایی در روابط بین‌المللی»، **فصلنامه مطالعات سیاسی**، دوره ۱، ش ۳.
- ۲۹- محمدیان، علی و رضایی، علیرضا (۱۳۹۵)، «تحول مفهوم دیپلماسی در روابط بین‌الملل»، **پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل**، دوره ۵، ش ۱.
- ۳۰- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴)، **تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل**، چ ۱، تهران: انتشارات سمت.
- ۳۱- مورگنتا، هانس‌جی (۱۳۸۴)، **سیاست میان ملت‌ها: تلاش در راه قدرت و صلح**، ترجمه: حمیرا مشیرزاده، چ ۳، تهران: موسسه چاپ و انتشار وزارت امور خارجه.
- ۳۲- مورگنتا، هانس‌جی (۱۳۶۷)، «تلاش برای حفظ قدرت: سیاست حفظ وضع موجود»، ترجمه: بیژن اسدی، **مجله سیاست خارجی**، دوره ۲، ش ۴.
- ۳۳- ندیم، مصطفی (۱۳۹۲)، «واقعه آنفلونزا در شیراز در سال ۱۹۱۸ میلادی برابر با ۱۳۳۶ هجری قمری»، **فصلنامه پژوهش در تاریخ پزشکی**، دوره ۲، ش ۳.
- ۳۴- نوریان، اردشیر (۱۳۸۸)، «منازعه و همکاری در روابط بین‌الملل: نقش قدرت در حفظ صلح و امنیت جهانی»، **فصلنامه سیاست خارجی**، دوره ۲۳، ش ۱.

- ۳۵- هادیان، ناصر و سعیدی، روح‌الامین (۱۳۹۲)، «از دیپلماسی عمومی سنتی تا دیپلماسی عمومی نوین: رویکردهای هابرماسی»، فصلنامه راهبرد، دوره ۲۲، ش ۶۸.
- ۳۶- هادیان، ناصر و سعیدی، روح‌الامین (۱۴۰۰)، «ادهانوم: دسترسی نابرابر به واکسن لکه ننگ بر آگاهی جمعی ماست»، ۱۴۰۰/۶/۲۳، کد خبر ۹۶۳۸۵. <https://snn.ir/0042jy>
- ۳۷- هادیان، ناصر و سعیدی، روح‌الامین (۱۴۰۰)، «افزایش فاصله اقتصادی ثروتمند و فقیر، چالش جهان پس از کرونا»، ۱۴۰۰/۲/۲۹، کد خبر ۸۴۳۳۵۰۴۷. <https://www.ima.ir/news/84335047>
- ۳۸- هادیان، ناصر و سعیدی، روح‌الامین (۱۳۹۹)، «مقام آلمانی آمریکا را به خاطر ضبط محموله ماسک "دزد مدرن" خواند»، ۱۳۹۹/۱/۱۶، کد خبر ۹۹۰۱۱۶۰۷۶۱۰. <https://www.isna.ir/news/99011607610>
- ۳۹- هادیان، ناصر و سعیدی، روح‌الامین (۲۰۲۰)، «سود کرونا در جیب پکن؟؛ اقتصاد چین پنج سال دیگر از آمریکا جلو می‌زند».

<https://www.per.euronews.com/amp/2020/12/27/cebr-says-china-to-ovwrtake-us-as-world-biggest-economy-by-2028-due-to-covid-19>

لاتین:

- 40- Buzan, Barry and others (1993). The logic of Anrchy, Newyork: colmbia university press.
- 41- Davidv, Edwars (1969). Internation Analytic, NewYork: Holt, Rinehart and Winston.
- 42- Chappell, Bill (2020). please Don't politicize This virus, WHO Head says After Trump Threatens Funding", <https://www.npr.org/sections/coronavirus-live-updates/2020/04/08/829944795/please-don-t-politicize-this-virus-who-head-says-after-trump-threatens-funding/8/04/2020>
- 43- Fenton- Harvey, Jonathan (2021). Many vaccine products have shown limited signs of being globally available", <https://www.aa.com.tr/en/analysis/analysisconsequencesof-global-covid-vaccine-inequality/2131116> 02/02/2021
- 44- Holland, Stere and Nichols, Michelle (2020). Trump cutting u.s. ties with world Health organization over virus, <https://www.reuters.com/article/us-health-coronavirus-trump-who/trump-cutting-u-stieswithworldhealthorganizationovervirusidUSKBN2352YJ> 30/5/2020
- 45- jahaninasab, Ahmad and Eslami, Saeed (2016). Quant fication of basic categories of the universal Declaration of Human Rights, Middle East political Review, vol. 5, No 1-2.
- 46- Jarus, Owen (2020). 20 of the worst epidemics and panedmics in history, <https://www.googel.com/amp/s/www.livescience.com/amp/worst-epidemics-and-pandemics-in-history-html>



- 47- Kelim, Feredrick (2020). Opinion-Realism and the coronavirus Crisis, <https://www.e.ir.info/2020/4/11/opinion-realism-and-the-coronavirus-crisis>
- 48- Kssinger, H.A (1997). American foregion policy, 3rdedition, New york: [www.Nortont.net](http://www.Nortont.net)
- 49- Melissen, Jan (2005). The NEW public Diplomacy; Between Theory and practice, injan Melissen (Ed). The NEW public Diplomacy: soft Power in international Relations. Newyork: palgrave MacMillan
- 50- Rauch, Thomas (2020). What if the covid 19 world is what states make of it?, <https://ged-project-de/globalization/what-if-the-covid19-world-is-what-states-makeofit> 16/04/2020
- 51- Walt, Stephen (2020). the Realists Guide to the coronavirus outbreak, <https://foreignpolicy.com/2020/03/09/coronavirus-economy-globalization-virus-icurealism> 09/03/2020.
- 52- Waltz, Kenneth (1979). Theory of International Politics, Univerrsty of California, Berkley.

